

ارکان مهم تشکل فرهنگی

بخشی از سخنرانی
دکتر مهدی تلوری در
جمع تعدادی از فعالان
فرهنگی استان گیلان



دفتر استان گیلان



سازمان فضای مجازی سراج
دفتر استان گیلان

«باسمه تعالی»

مقدمه:

جزوه‌ای که پیش رو دارید، متن بخشی از سخنرانی «دکتر مهدی تلوری» در جمع تعدادی از فعالان فرهنگی استان گیلان در تابستان ۱۳۹۳ می باشد که در شهر مقدس مشهد ایراد شده است. در تنظیم و ویرایش این جزوه، تلاش شده است با حفظ امانت‌داری در اصل صحبت‌ها، کمترین تغییر در محتوای آن صورت گرفته و تنها، جملات محاوره‌ای به نگارشی تبدیل و علائم سجاوندی افزوده شود.

از آنجا که صحبت‌های سخنران جلسه در جزوه پیش رو از حالت محاوره‌ای به شکل نگارشی درآمده، بخشی از حلاوت آن کاسته شده است که این موضوع می‌تواند عاملی برای ترغیب مخاطب برای رجوع به فایل صوتی این جلسه باشد.

دفتر استانی سازمان فضای مجازی سراج در گیلان، امیددارید که مباحث مطروحه و نیز دیگر جزواتی که در آینده از سوی این دفتر ارائه خواهد شد، در تبیین مباحث و موضوعات مبتلا به در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی راهگشا و موثر باشد.

لازم به ذکر است که مجموعه جزواتی که تاکنون توسط دفتر استانی سازمان سراج تدوین شده است، در بخش تولیدات و اخبار پایگاه اطلاع رسانی این دفتر به آدرس seraj.ir/gilan قابل دریافت می باشد.

* * *

۱- ارکان یک تشکیلات

هر سازمان و هر تشکلی چه مردمی و چه دولتی، دارای چند رکن و عنصر بسیار مهم است که شما فعالین فرهنگی با این چند عنصر درگیر هستید و باید این عناصر را خیلی خوب بشناسید و بتوانید متناسب با فضا مقتضیات مختلفی که در استان و شهرستان دارید بهره بگیرید.

۱-۱) رکن اول نیروی انسانی است؛

هر تشکل نیروی انسانی دارد؛ اساساً مفهوم تشکل از نیروی انسانی بیش از یک نفر شکل میگیرد. کوچک ترین واحد تشکل خانواده است؛ زن و شوهر؛ همه‌ی قواعد تشکیلاتی و سازمانی برای این دو نفر حاکم است همانطور که برای یک سازمان سه هزار نفری هم حاکم است. پس به کوچکی و بزرگی آن ارتباطی ندارد.

نیروی انسانی هم خود به بندهای گوناگونی تقسیم می شود؛ این تقسیم بندی را فعالین فرهنگی ما باید خوب فراگیرند.

به طور کلی در تشکیلات ما افراد مختلفی هستند که در چهار دسته قرار می گیرند:

۱- عنصر (شاید به عدد انگشتان یک دست هم نرسد)

۲- عضو

۳- هوادار

۴- سمپات

همه این چهار طیف در تشکل حضور دارند. ممکن است فرم عضویت هم پر کرده باشند. ما فرم پر کرده‌های یک سازمان را به چهار دسته فوق تقسیم می کنیم.

۱-۱-۱- مراقب عضوها باشید

• از دومی شروع می کنیم؛ عضو؛ نیرویی است که ارزش عددی برابر یک دارد. یعنی به اندازه یک نفر می ارزد و نه بیشتر. فاقد هرگونه توان سیاست گذاری و تصمیم گیری است. فاقد هرگونه خلاقیت و ابتکار است. کارهایش را برای او تعریف نکنید، نمی تواند جلو برود و فعالیت کند. بیش از اندازه یک نفر هم بار نمی تواند بردارد. بار بیش از یک نفر به او بدهید زمین گیر می شود و شما را نیر با خود زمین گیر می کند. پس باید خیلی دقت کنید تا این افراد را خوب بشناسید.

۲-۱-۱- عنصر ارزشمندترین نوع نیروی انسانی

• عنصر؛ ارزش عددی بیش از یک نفر را دارد؛ حتی یک میلیون نفر! «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً»^۱ ابراهیم یک امت بود.

امام فرمودند: بهشتی یک ملت بود، برای ملت ما. اینها عنصرند. اینها توان تصمیم گیری دارند. توان سیاست گذاری دارند و منتظر کسی نمی نشینند. با های و هوی راه نمی افتند. از درون می جوشند، استقلال شخصیتی دارند و انسان های خودکفایی هستند. به نتیجه برسند، حرکت می کنند. اگر جایی گیر کردند، احساس بن بست نمی کنند. دقت داشته باشید که این مسائل ارتباطی به دین و ایمان افراد ندارد. بله اگر کسی حزب الهی باشد به واسطه ارتباط گرفتن با خدا مطالبی را دریافت می کند که آدم عادی دریافت نمی کند. شما فعالین فرهنگی اگر همگی عنصر باشید، تمام استان تحت شعاع عملکرد شما قرار می گیرد. اگر عضو باشید کل بر همدیگر می شوید.

۱- سوره مبارکه نحل، آیه ۱۲۰.

در مهدکودکی برای تشخیص رهبر و رهرو آزمایشی انجام دادند. حتماً خاطرتان هست که در کودکی وقتی برای فوتبال قرار می گذاشتید، تک تک سر قرار می آمدید اما از بازی خبری نبود تا اینکه مثلاً علی می آمد و بازی شروع می شد. چرا که علی عنصر بود. یا گاهی در جذب نیرو مثلاً یک مربی تربیتی در مدرسه ای یا مسجدی فعالیتی می خواهد انجام دهد و یا اردویی می خواهند بروند، سوال می پرسند فلانی "آیا می آید؟" طرف می گوید "علی بیاید من هم می آیم" این جمله را از ۱۰ نفر می شنوید؛ پس علی عنصر است.

در آن مهد کودک در آلمان، آزمایشی که انجام شد این بود که در ابتدای راهرو، والدین و در انتهای آن دانش آموزان به تناسب والدین یکی یکی آزاد می شدند. والدین حق حرکت نداشتند. آن کودک پدر یا مادر خود را از دور می دید. مادرها دو دسته بودند؛ بعضی ها می نشستند بچه را بغل می کردند و با بچه بلند می شدند، امام بعضی بدون آنکه حرکتی کنند، بچه به پای آنها می چسبید بعد بچه را می گرفتند و بلند می کردند و می بردند. دسته اول همه آنها شخصیت رهبر پیدا کردند، دسته دوم هم شخصیت رهرو و عضو. چون دسته اول هم قد پدر و مادر می شدند، با پدر و مادر بزرگ می شد، اما دسته دوم همیشه نگاهشان رو به بالا بود که کسی آنها را از زمین بلند کند.

بعضی از تشکل ها هم همین طور هستند. شخصیت آنها شخصیت رهبر است و به عکس بعضی شخصیت رهرو دارند. تشکلی که شخصیت رهبر داشته باشد، مابقی تشکل ها را دنبال خود می کشاند. بعضی ها هم خیر؛ یک زمان وابسته سازمان تبلیغات است، یک زمان وابسته سازمان ملی جوانان و ... چرا که شخصیتش همینطور شکل گرفته است.

۳-۱-۱- هوادار فقط هوا را دارد

• دسته ی سوم **هوادار** هستند. این دسته از افراد هوای شما را دارند، اما معاون شما نیستند. ما در دعای عهد می گوییم «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ»^۱ ما را ناصر و معاون ایشان قرار ده. این تعبیر، تعبیر بزرگی است. کسانی هم وجود دارند که هوادار امام هستند نه ناصر ایشان؛ آخر عبارت نیز می گوید: «وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۲ این که می گویند کسی چهل روز این دعا را بخواند از یاران امام زمان (عج) می شود، می داند که چه می گوید. امام را می شناسد، راه را می شناسد، بوی شهادت می آید.

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- همان.

خیلی ها هم در عالم تشیع عشق به امام زمان دارند، اصلاً بوی خون استشمام نمی کنند! یعنی طوری زندگی می کنند که اصلاً احتمال شهادت داده نمی شود. اسلام آنها اسلام آمریکایی است. هوادار کسانی هستند که فقط هوای شما را دارند اما نه در سرما و نه در گرما.

امیرالمومنین خطاب به صحابه خودش می فرماید: خدا لعنت کند شما را! خدا پدر و مادرتان را نیامرزد! خاک بر سرتان! مادرتان به عزایتان بنشینند! به شما می گویم بیایید جهاد می گوئید هوا سرد است؛ چند ماه گذشت، سراغتان آمدم گفتید: الان هوا گرم است. اینها هوادار هستند، هوادار اهل بیت زیاد است. هوادار مقام معظم رهبری هم زیاد داریم، اما آن کسی که واقعا با امام است، مثلاً در فتنه ۸۸ خود را نشان می دهد.

۴-۱-۱- همراهی نیازمند

• دسته چهارم **سمپات** هستند. اشخاص بی تفاوتی که در تشکیلات شما وجود دارند که حتی هوادار هم نیستند.

این افراد ممکن است در ۱۰ شکل دیگر هم همزمان حضور داشته باشند. سمپات ها آن زمان که هیچ مشکلی وجود ندارد و همه چیز رو به راه است و مخالفت با شما حکم خودکشی را دارد، با شما همراه می شوند.

مثالی را بخواهم بیان کنم که خود بنده در آن حضور داشتم و خودم دیده و شنیده باشم، مسئله کوی دانشگاه سال ۷۸ بود. در آن سال کوی دانشگاه و نظام بهم ریخت. در آن سال رهبری اعلام کردند که اگر چیزی شود صلح امام حسن اتفاق نخواهد افتاد... و من خودم را و جان بی رنم را برای مقابله با شما آماده کردم. در آن سال دانشگاه ها تعطیل شد. امتحانات نیز به شهریور ماه انتقال یافت. از مهر ماه آن سال وقتی به دانشگاه ها در شهرستان و استان های مختلف دعوت می شدیم سوال می پرسیدم که این دانشگاه چند دانشجو دارد؟ مثلاً می گفتند ده هزار نفر. می پرسیدم از این ده هزار نفر چند نفر اعتراض کردند تا امتحانات به تعویق بیافتند؟ می گفتند ۳۰۰ نفر. یعنی ۳۰۰ نفر اراده خودشان را بر ۹۷۰۰ نفر تحمیل کردند! بله. آن ۹۷۰۰ نفر چرا آمدن دنبال این ۳۰۰ نفر؟

بعد پرسیدیم خب از این ۳۰۰ نفر چند نفرشان سیاسی بودند؟ گفتند ۵۰ نفر. سوال پرسیدم از آن ۵۰ نفر چند نفرشان اصلی بودند؟ گفتند یک یا حداکثر ۲ نفر!

شما در کار تشکیلاتی باید این فرد را تشخیص دهید. بله خیلی ها می گویند که با شما هستیم. اما باید دقت کنید ببینید این فرد عنصر است یا عضو.

امیرالمومنین (علیه السلام) می فرمایند: متقین کسانی هستند که برای امام خویش قلیند. یعنی هزینه اینها برای امام و رهبری پایین است. بیشتر بار بر می دارند تا اینکه بار باشند.

تعبیر قرآن خطاب به حضرت موسی که می فرماید « اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ »! موسی از خدا چه خواست؟ « رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي (۲۵) وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي (۲۶) وَأَحْلِلْ عُقْدَةً مِن لِسَانِي (۲۷) يَفْقَهُوا قَوْلِي (۲۸) وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (۲۹) ». وزیر یعنی کسی که بار سنگین را بر می دارد. عناصر کسانی هستند که بار بر می دارند.

در کار تشکیلاتی اولین قدم را که برداشتید، قدم بعد انتخاب وزیر است. پیامبر هم این کار را انجام دادند. فرمودند: اولین کسی که به من ایمان بیاورد او را خلیفه، وصی و وزیر بعد از خودم قرار می دهم و بعد از آن حدیث معروف گفته شد.

خب ما چگونه سمپات را تبدیل به هوادار کنیم؛ ۳ الی ۴ جلسه لازم است. چگونه هوادار را تبدیل به عضو کنیم؛ ۳ الی ۴ جلسه لازم است. چگونه عضو را عنصر کنیم اینجا ۵ الی ۶ جلسه وقت لازم دارد.

چگونه می توان یک عضو را عنصر کرد؟

ما در مؤسسه خودمان اردوی سبلان را طراحی کردیم که به میزان اندکی شخصیت های رهرو را رهبر نماییم. در سطح قله سبلان بدتر از همه چیز مه است. چون مه باعث می شود نفر جلو را نبینید. نبینید هم گم می شوید؛ گم شوید هم سر از یخچال در می آورید یا ۳۰۰، ۴۰۰ متری سقوط آزاد می کنید! اینجاست که آدمها باید بفهمند؛ خیلی از اردوها متاسفانه در کشور دقیق نیستند. حاشیه‌ی کوتاهی در رابطه با اردو بگویم.

اردوها انواع گوناگون دارند؛ از این جهت اردو را مثال زدیم که بهترین روش جذب نیروها برگزاری اردو است. یکی از بهترین روش افزایش توانمندی همین اردوهاست. اردوها به چند دسته تقسیم می شوند:

- ۱- اردوهایی که برای جذب نیرو است
- ۲- اردوهایی که برای شناسایی است
- ۳- اردوهایی که برای سازندگی است
- ۴- اردوهایی که برای آموزش است
- ۵- اردوهایی که برای سازماندهی است

۱- سوره طه، آیه ۴۳.

۲- سوره طه، آیات ۲۵ تا ۲۹.

شما وقتی برنامه‌ریزی اردو را انجام می‌دهید، سوال برایتان بوجود می‌آید که مثلاً ما بعد از نماز صبح بگذاریم بچه‌ها بخوابند یا خیر؟ بخصوص زمان‌هایی از سال که اذان صبح ساعت ۳ صبح زده می‌شود و ۸ صبح هم اولین کلاس برگزار خواهد شد. خب این چند ساعت ما بین نماز تا کلاس هدر می‌رود و تعداد جلسات کلاس کم می‌شود. کلاس را هم که نمی‌شود ساعت ۶ صبح گذاشت. البته می‌گویند نمی‌شود! چرا نشود؟

خب چه کنیم؟ بگذاریم بخوابند یا خیر؟ اینها بستگی به اردویتان دارد. اردو اگر اردوی جذب باشد بچه‌ها باید بخوابند، اما اگر اردوی سازماندهی است، نباید بخوابند.

در اردوها بچه‌ها خودشان غذا درست کنند یا ما برای آنها غذا درست کنیم؟ اگر اردو برای جذب است ما باید غذا درست کنیم، اما اگر اردو برای سازندگی است، بچه‌ها باید خودشان غذا درست کنند.

مثلاً اردوی راهیان نور. این اردو در بهترین ماه سال در خوزستان برگزار می‌شود. خب جنگ در گرما هم رخ داده است. اگر اردوی جذب باشد خب بله در بهمن و اسفند ماه، باید برویم؛ اما من و شما چله تابستان باید به این اردو برویم.

وقتی که به فکه می‌رسند، کفش‌هایشان را در می‌آورند، خب زمین خنک است اگر رویش هم گرم باشد، زیرش خنک است. اگر راست می‌گویید بیابید در تابستان این کار را انجام دهید. اردوی راهیان برای من و شما نباید با لباس شخصی باشد، باید با لباس نظامی و چفیه و پوتین باشد.

این یک استراتژی است که تا زمان ظهور امام زمان (عج) و بعد از آن هم باید داشته باشید و آن هم **توانمندسازی نیروهایتان** است. همیشه این عمل باید انجام شود. تابستان و زمستان ندارد. پایین‌ترین درجه نیروی شما باید به سمت عضو و عنصر حرکت کند و همیشه در حال ارتقاء باید باشد. در این مبحث خیلی حرف وجود دارد....

۲-۱- رکن دوم عبارت است از ساختار تشکیلاتی.

افراد را جمع کرده‌ای، خب این افراد باید کنار هم چیده شوند. درست مثل بحث سیستم‌ها در فوتبال. می‌گوییم ۳،۵،۲ یا ۴،۴،۲ و ... این‌ها با هم خیلی فرق دارد. مثلاً تیمی که ۳،۵،۲ بازی می‌کند، همیشه باید ۲ نفر در پیستون داشته باشد که بتواند ۹۰ دقیقه هم حمله کند هم دفاع. اگر شما در تیمتان چنین نیرویی ندارید، اصلاً نباید ۳،۵،۲ بچینید، باید بروید سمت ۴،۴،۲.

آخرین باری که با گل سیروس قایقران قهرمان آسیا شدیم، از سرمربی سوال کردند سیستم شما چیست؟ پرسید: سیستم چیه؟ ما سیستم نداریم همه با هم حمله می‌کنیم و همه با هم دفاع می‌کنیم! این دقیقاً

مانند خیلی از تشکل هاست. مثلاً یک همایش که می شود، همه با هم همایش می گیرند! اردو می شود، همه دارند اردو را برگزار می کنند! بعضی از تشکل ها مطابق با آخرین فرمایشات رهبری تغییر موضع می دهند. امروز آقا در جنبش نرم افزاری صحبت کرده تا یک ماه در جنبش نرم افزاری اند. به یک باره آقا در مورد تولید علم صحبت می کنند، اینها می روند سمت تولید علم.

۱-۲-۱ ساختار تشکیلاتی آدم هایی که جذب کرده اید را باید بچینید.

ما دو نوع ساختار داریم یکی «آمی بی» دیگری «سانترال». تشکل شما ساختارش سانترال است. ساختار «آمی بی» مثل ساختار ضد انقلاب در کشور ما. مثلاً اتحادیه دانش آموزان قبل از انقلاب ساختار آمی بی داشت الان سانترال است.

هیئت ها در کشور ساختار «آمی بی» دارند. ساختارهای آمی بی هِدشان (رأس - رئیس) معلوم نیست. نمی دانید چه کسی را باید بزنید. اما در ساختارهای سانترال رأس آن مشخص است و با نام های مختلف مثل دبیر، فرمانده، مسئول قابل تشخیص است.

حال که بحث رأس مطرح شد یک بحث دیگری را هم مطرح کنم، ما در تقسیم بندی شخصیت "هد" یک شخصیت سایه داریم و یک شخصیت "صحنه" مثلاً در دولت اصلاحات شخصیت "صحنه" آقای خاتمی بود. شخصیت سایه هم که دیده نمی شود، ولی مدیریت می کرد مثلاً آقای "حجاریان". اینها رأی از ملت نمی گیرند، اما مدیریت می کنند.

پس شخصیت ها مهم هستند. تشکل هایی که ساختار "آمی بی" دارند خود ساختار معمولاً سایه است و شخصیت ها هم شخصیت های سایه هستند، تو در تو هستند و شما به نفر اصلی یا دیر می رسی یا کم می رسی، بررسی هم مطمئن نیستید. مثلاً در دولت آمریکا شخصیت سایه ای آنجا را اداره می کند به نام "بنیاد راکفلر" و "بنیاد مورگان". اوباما و بوش و ... اینها شخصیت صحنه هستند.

خیلی مهم است که در استان شما، شخصیت سایه چه کسی است. اگر کسی باشد البته. جریانات سیاسی شما مهم است. شما در برخورد با اپوزیسیون حتماً باید شخصیت سایه اپوزیسیون را بشناسید، نه صحنه را. صحنه را می گذارند تا ترکش خور باشد. سایه خودش را هیچ وقت در معرض آسیب قرار نمی دهد.

خب برگردیم به بحث؛ تشکیلات شما سانترال است که خودش انواعی دارد.

۱- عمودی

۲- افقی

۳- ماتریسی (پیوندی)

بنده بدون اینکه تشکیلات شما را دیده باشم، می گویم تشکیلاتتان عمودی است. در تشکیلات عمودی از لحاظ جایگاهی نیروها از بالا شروع می شوند و به پایین می آید. مثلاً مدیر عاملی یا دبیر کلی داریم و ... در ذیل رئیس معاونینی وجود دارد؛ هر کدام از این معاونین خودشان دارای بخش هایی هستند و باز هم هر کدام از این بخش ها خودشان واحدهایی دارند. به این ساختار عمودی گفته می شود. مانند ساختار قوه مجریه. خب محاسن و معایبی دارد.

یکی از معایبی که وجود دارد و باید حواسمان به آن باشد که در اخلاق تشکیلاتی خودش را نشان می دهد، بالایی ها بالایی ها را می بینند؛ درست است که از جهت تشکیلاتی امر درستی است، اما بعد از مدتی این افراد دچار غرور می شوند؛ پایینی ها هم وقتی می بینند که اصلاً توجهی به آنها نمی شود، آرام آرام غیبت می کنند؛ تهمت می زنند؛ سخن چینی می کنند؛ در واقع تشکیلات دارد زمینه ی گناه را فراهم می کند. خود ساختار به شکلی است که آدمها را به این اشتباهات می اندازد. در خیلی از تشکل ها متأسفانه مسئولین غفلت می کنند. با نیروهای جزئی خودشان مشورت نمی کنند. حتی بعضی اوقات باید با نیروهای جزء درد دل کرد تا آنها بزرگ شوند. مگر پیامبر در مبحث تربیت نفرمود فرزند خود را در هفت سال سوم مشاور و وزیر خود قرار دهید و در مباحث و تصمیم گیری ها از او نیز نظر بخواهید. بچه هایی که ما عموماً در تشکل ها با آنها روبرو هستیم در ۷ سال سوم هستند، درحالی که نه در هفت سال اول سیر بازی کرده اند و نه در هفت سال دوم حسابی آموزش دیده اند. مشکلاتی که در دوره اول و دوم برایش بوجود آمده در هفت سال سوم خودش را نشان داده و می ریزد سر نظام و فتنه ۷۸ و ۸۸ و ... بوجود می آید.

در خانه ی ما متأسفانه بچه ی ۱۴ ساله که به خواستگاریش می آیند، می فرستند دنبال نخود سیاه! اصلاً او را تحویل نمی گیرند؛ خانه می خرنند بدون مشورت با او؛ جا به جا می شوند، بدون مشورت با او، ما اصلاً ۱۴ الی ۲۷ ساله هایمان را تحویل نمی گیریم، اینها می آیند در تشکل ها سربار ما

می شوند. فلذا می بینیم در کار تشکیلاتی، خود تشکیلات گاه محل گناه و معصیت می شود. باید خیلی دقت کنید که همه ی عیب ها به ذات پاک بچه ها بر نمی گردد.

۳-۱- عنصر و رکن سوم عبارت است از فناوری؛

هر سازمانی فناوری دارد. باید از شما پرسید که تکنولوژی سازمان یا تشکیلاتتان چیست؟ من یک مؤسسه قرآنی هستم؛ خب در چه زمینه ای فعالیت می کنید؟ می گوید حفظ؛ میپرسم تکنولوژی حفظ شما چیست؟ تکنولوژی هم خودش دو بخش دارد:

۱- نرم افزار

۲- سخت افزار

بنده چشم بسته با قاطعیت عرض می کنم ۹۰ درصد شما سخت افزاری هستید. اکثر مسئولان ما انسان های سخت افزاری هستند. رهبری فرمودند دوره، دوره ی جنبش نرم افزاری است. هر کدام از بخش های تکنولوژی خودشان بخش هایی دارند:

سخت افزار:

۱- بودجه

۲- تجهیزات

اکثر کسانی که مسئول تشکل می شوند، بلافاصله دنبال بودجه و تجهیزات می روند، چاره ای نیست، بخشی از کار است.

ما قهرمان بودجه ایم. به خاطر خدا پیش هر کسی گدایی می کنیم! همین بودجه و تجهیزات باز دو دسته اند:

مرئی

و نامرئی؛

مثلا تشکل قرآنی ای که در مسجد فعالیت می کند را در نظر بگیرید. خب یک اتاق ۱۲ متری در این مسجد دارد؛ خب این اتاق اجاره اش چقدر می شود؟ تجهیزات مختلفی نیز دارد: پنکه، کولر،

گاز و ... پول آب و برق و ... دارد. هیچ کدام اینها را شما تهیه نکرده و پرداخت نمی کنید. اینها جزو امکانات شماسست، اما نامرئی است، اختیار آن هم با دیگری است.

یا مثلا بیست نفر در تشکل شما بصورت پاره وقت با شما کار می کنند؛ این بیست نفر نه حقوق می گیرند، نه عیدی، نه کارانه، نه پاداش، نه بیمه و ... حتی این نیروها از موبایل خودشان استفاده می کنند برای برخی از امور کاری مربوط به تشکیلات شما! اینها هزینه های نامرئی است. اما بودجه مرئی همان نقدینگی شماسست، همان پولی که پای فعالیت های شما ریخته می شود.

بخش نرم افزار خودش دو بخش دارد:

۱- روش انجام کار

۲- مقررات انجام کار

روش ترویج عفاف و حجاب تا روش جذب نیرو، روش ارتقاء نیرو، روش دفع نیرو، روش برگزاری اردو، روش برگزاری همایش، اینها جزو بخش اول نرم افزاری است.

مثلا اگر بنده جای برگزارکنندگان همین دوره بودم زمانی که در حال فراخوان بودم می گفتم ۱۰۰ تومان علی الحساب به ما بدهید، اگر چنانچه همه ی برنامه های اردو را آن طوری که ما برنامه ریزی کردیم، شرکت کردید، علاوه بر اینکه ۱۰۰ تومان به شما عودت داده می شود ۲۰ هزار تومان هم بسته رایگان فرهنگی به شما می دهیم و اگر شرکت نکردید، با همان پول یک بلیط برگشت به مقصد منزلتان برایتان خریداری می شود!

اگر قرار باشد عفاف و حجاب ترویج داده شود روشش چیست؟ فرض کنید بنده ۱۰۰ میلیون پول به شما بدهم و از شما بخواهم یک همایش از صبح تا بعد از ظهر را برنامه ریزی کنید. چهار سخنران کشوری دعوت می کنیم با هتل و دستمزد و بلیط هواپیما و ... با چند میلیون بهترین سالن همایش را هم می گیریم. بهترین نهار را هم مطابق با آخرین دستورات طب سنتی تهیه می کنیم. دکوراتور از تهران می آوریم، هدف را هم اعلام می کنیم که سالن را طوری دکورچینی و تزئین کند که فرد وقتی می نشیند احساس کند که باید حجاب کند و ...

اما وقتی وارد جلسه می شویم، می بینیم که همه خانمها چادری در جلسه نشسته اند! اینهمه خرج انجام شده برای یک همایش عفاف و حجاب، اما کجایش همایش عفاف و حجاب است؟! و ما تا از این همایش ها برگزار می کنیم. باید نرم افزار مشخص شود. روی نرم افزارها کار انجام نمی شود، چون کار هرکسی نبوده و سخت است. اما سخت افزار خیر آسان است. یک سالن و وعده نهار و استاد و ...!



دفتر استانی سازمان فضای مجازی سراج در گیلان